

Comparative Study of Diversity in legal Structure of Republic of India A and Afghanistan

Mohammad Saber Ensandost^{*1}, Mehdi Shabannia Mansour², Babak Baseri³

Recieved:8/12/2024

Accepted : 26/2/2025

Abstract

One of the modern components of human society, in the light of which it is possible to live in peace and tranquility and a consistent path and made progress smooth. It is diversity, this is a Peace be upon the establishment of peaceful life among people. They are next to each other despite having differences. Variety, as a solution to confrontation and conflicts after that It was impossible that the past generations of mankind for the most part one's own religion, culture and language of others; hundreds year together have fought. The Republic of India is one of the countries in which more than hundred languages are spoken and seventy-two nations are lived. There are dozens of cultures and rituals of life; However, power It is necessary to create balance and alignment between them. Afghanistan is also among the countries that are diverse Ethnic, linguistic and cultural similarities. It has the passion of India, but this country accepts the same diversity India has not been successful, to do this research of the method Comparisons are used, but the question is that the diversity of people that how to vote in the legal system of India and Afghanistan has it been seen? Legislator of India according to the special pluralistic society of India has different varieties in the form that has supported and accepted; but in Afghanistan In this field, there is no favorable legislation is, the purpose of this research is to use the experiences of the legislator policy of India regarding Afghanistan.

Keywords: Diversity, Legal Structure, India, Afghanistan.

^{*} PhD Student, Department of Public Law, Islamic Azad University, Central Tehran, Iran, -¹

sensandost@gmail.com

Assistant Professor, Department of Public Law, Islamic Azad University, Central Tehran, Iran, -²

mehdi.shabannia@gmail.com

Assistant Professor, Department of Public Law, Faculty of Law and Humanities, Islamic Azad University, -³
Shiraz Branch, Shiraz, Iran,

baseribabk@gmail.com



مطالعه تطبیقی تنوع گرایی در ساختار حقوقی جمهوری هند و افغانستان

محمد صابر انسان دوست^{۱*}، مهدی شعبان نیا منصور^۲، بابک باصری^۳

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۹/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۸

چکیده

یکی از مولفه‌های مدرن جامعه بشری که در پرتو آن میتوان در صلح و آرامش زندگی نمود و مسیر سازگاری و پیشرفت را هموار ساخت؛ تنوع گرایی است، این اصل به دنبال استقرار زندگی مسالمت آمیز میان انسان‌ها در کنار یکدیگر با وجود داشتن تفاوت‌ها می‌باشد. تنوع‌پذیری به عنوان راه حل تقابل و کشمکش‌ها پس از آن شناسایی گردید که نسل‌های گذشته بشر برای غالب ساختن مذهب، فرهنگ و زبان خویش بر روی دیگران؛ صدها سال با هم جنگیده اند. جمهوری هند از جمله کشورهای است که در آن بیش هزار و هفتصد زبان، هفتاد و دو ملت و صدها فرهنگ و آئین زندگی وجود دارد؛ با این وجود توانسته است تعادل و همسوئی را میان آنها به وجود آورد. افغانستان نیز از جمله کشورهای است که از نظر تنوعات قومی، زبانی و فرهنگی مشابهت‌های چشم‌گیری با کشور هند دارد؛ اما این کشور در پذیرش تنوعات همانند هند موفق نبوده است، برای انجام این تحقیق از روش مقایسه‌ای استفاده میشود، اما سوال این است که تنوع گرایی در نظام حقوقی کشور هند و افغانستان چگونه پیش بینی شده است؟ قانون گذار هند با توجه به ویژگی متکثر جامعه هندی تنوعات مختلف را به صورت شایسته مورد حمایت و پذیرش قرار داده است؛ اما در افغانستان در این زمینه قانون گذاری مطلوب صورت نگرفته است، هدف این تحقیق استفاده از تجارب قانون گزار اساسی هند در خصوص افغانستان میباشد.

کلید واژه: تنوع گرایی، ساختار حقوقی، هند، افغانستان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- * دانشجوی دکتری، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران مرکزی، تهران، ایران

، sensandost@gmail.com

۲- استاد یار گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران مرکزی، تهران، ایران،

mehdi.shabannia@gmail.com

۳- استاد یار گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، شیراز، ایران،

baseribabk@gmail.com

تنوع گرایی از منظر فلسفی، حقوقی و اجتماعی به دنبال آن است که علیه یک جانبه گرایی مبارزه صورت گیرد تا چند جانبه گرایی و زمینه برای پذیرش همه تنوعات در یک بدنه سیاسی با اشتراک سایر فرهنگ‌ها، هویت‌ها، مذاهب و سبک‌های مختلف زندگی به گونه مسالمت آمیز مساعد شود و همچنان حقوق و منافع اقلیت‌ها در قوانین به صورت برابر مورد حمایت قرار گیرد، بر بنیاد دانش نوین تنوع گرایی در یک جامعه چند فرهنگی یک ضرورت بوده، نماد زیبایی، خلاقیت و پیشرفت شمرده می‌شود؛ هر گاه این اصل به گونه واقعی در جامعه تطبیق شود؛ می‌تواند شگاف‌های قومی، زبانی و مذهبی را به ویژه در کشوری که مردم از این ناحیه رنج کشیده‌اند؛ پر نموده و بستر خشونت را بر چیند. جمهوری هند به عنوان اولین کشور جهان در دامان خویش هزاران فرهنگ را پرورش داده است و در حقیقت خواستگاه حیرت انگیز تنوع فرهنگ، زبان، مذاهب، نژاد و هویت در جهان است؛ گوناگونی ریشه در تاریخ و فرهنگ این جغرافیا دارد؛ مردم این کشور علایق و ویژگی‌های خاص خود را دارند که کمتر با مردمان سایر کشورها مشابهت دارد؛ شیوه زندگی عبادات، شغل و حرفه، داستان‌ها، موسیقی، به ویژه رسم و آئین زندگی شهروندان این کشور طوری است که در هیچ کشور دنیا چنین چیزی به مشاهده نرسیده و در نوع خود بی نظیر است. افغانستان نیز کشوری باستانی و کهن است؛ اقوام، زبان، نژاد، فرهنگ و هویت‌های مختلف در این کشور زندگی می‌کنند؛ هر یک از اقوام که در حدود ۲۰۰ قوم گزارش شده است دارای آئین، سنت، فرهنگ و سبک زندگی خویش می‌باشند، به همین گونه گوینده‌گان بیش از ۵۰ زبان در این کشور زندگی می‌نمایند، گروه‌های نژادی و فرهنگ‌های مختلف با رسم و رواج متفاوت آثار و اماکن تاریخی، طبیعت متنوع، هنر و موسیقی و غیره وجود دارد که این همه و همه بیانگر موجودیت کثرت رویه‌ها و ارزش‌ها می‌باشد که شاخص مهم تنوع در این کشور است.

تنوع گرایی کلید توسعه و صلح پایه دار تلقی می‌شود که می‌تواند تعامل سازنده‌ای را در روابط داخلی اعضای جامعه بوجود بیاورد، افغانستان به عنوان کشور متنوع که در چندین مرحله تجربه همدیگر نا پذیری، چند پارچگی، خشونت و جنگ‌های داخلی را در کارنامه خویش دارد و در حال حاضر در اوج تبعیض و نا برابری فرو رفته است؛ به تحقق تنوع گرایی و برپایی نظام کثرت گرا همانند کشور هند نیاز جدی دارد. تحقیقاتی زیادی در زمینه صورت گرفته است اما تنوع گرایی در کشورهای هند و افغانستان به صورت تطبیقی مورد مطالعه قرار نگرفته است. این تحقیق به شیوه تطبیقی بوده چنانچه ابتدا مصادیق تنوع پذیری در نظام حقوقی جمهوری هند و سپس به صورت مقایسوی در کشور افغانستان مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و در پایان بحث نتیجه کلی ارائه می‌گردد.

۲- مفاهیم و مبانی تنوع گرایی

تنوع گرایی یک نگرش فلسفی، اجتماعی، حقوقی و فرهنگی است و بیانگر تنوع در ذات، رفتار، افکار، فرهنگ‌ها و پذیرش آن‌ها می‌باشد؛ این مفهوم گرایی به سمت جریانی دارد که قایل به تعدد و کثرت Plural است؛ مفهوم کلی آن چندگانگی و گوناگونی است، از آن می‌شود به کثرت منشی و کثرت مداری نیز یاد کرد، به لحاظ ماهیتی پلورالیسم نوعی از روش و میتود است که در گفتمان‌های مدرن مطرح شده است؛ آن را می‌توان در قالب قواعد، برنامه‌ها و سیاست‌های عمومی جابجا نمود؛ به ویژه در جوامع متنوع و چند رنگی که باشندگان آن از فرهنگ‌ها، باورها، نژاد و اقوام مختلف تشکیل گردیده باشند، به بیان دیگر کثرت گرایی به ما طریقه و روش چگونه عمل کردن را نشان می‌دهد که به چه شیوه می‌توان میان مردمان جامعه‌ای که دارای افکار متفاوت آند، از نژاد، هویت و اقوام مختلف نمایندگی می‌نمایند در قالب دولت و

نظام همسوئی ایجاد نمائیم؛ ضرورت و فایده مندی این روش وقتی بیشتر محسوس شد که همگون سازی اجباری هویت، زبان و سایر ارزش های فرهنگی به ویژه از لحاظ تاریخی جواب مثبت نداد و بر عکس منجر به بی اعتمادی و جدال های شدید در میان جوامع انسانی گردید و در مقابل دگر اندیشی و تنوع پذیری اسباب پیشرفت و آسانی در حل مشکلات را فراهم نمود، یکی از رایج ترین مفاهیم کثرت گرایی؛ تسامح است که معنی مدارا و همزیستی مسالمت آمیز جلوگیری از جنگ و خصومت را می دهد؛ بر اساس این مفهوم گوناگونی موجود در یک جامعه؛ حقایق انکار ناپذیر اجتماعی هستند که نباید با آن ها بخل ورزیم و تنگ نظری نمائیم اگر چه تفاوت های موجود با سلیقه و رنگ ما همسان نباشد، در عمل باید با آن ها از روی برده باری و شکیبایی برخورد نموده و احترام قایل شویم؛ یعنی با وجود اعتقادات کاملاً متعارض در مقام نظر؛ در عمل می بایست بدون درگیری و با صلح و صفا در کنار هم زندگی کرد و عقاید دیگران را حرمت نمود، با این حال دیده می شود که رمز اصلی این بحث ارزش قایل شدن، به رسمیت شناختن و اعتبار دادن به تنوعات است هم به صورت شخصی و در روابط ذات البینی شهروندان و هم به طور رسمی در رابطه میان حکومت کنندگان و حکومت شوندگان^۱. با توجه به آنچه ارائه گردید تنوع گرایی در مفهوم کلی آن به معنی پذیرفتن گوناگونی و بها دادن به آن است.

مبانی این تحقیق همه مباحث فلسفی، اجتماعی و حقوقی بویژه نظام حقوقی و قوانین اساسی کشورهای مورد بحث می باشد؛ کشور هند پس از کسب استقلال خویش از بریتانیا در سال ۱۹۴۹م نخستین قانون اساسی خویش را به تصویب رسانید و آخرین بار در سال ۲۰۱۹م این قانون مورد بازنگری قرار گرفت. افغانستان نیز پس از کسب استقلال از بریتانیا در سال ۱۳۰۱خ مالک نخستین قانون اساسی شد و آخرین قانون اساسی آن در سال ۱۳۸۲خ به داخل ۱۶۲ ماده از جانب لویه جرگه مورد تصویب قرار گرفت. تنوع گرایی در محور قوانین متذکره مورد بررسی و مقایسه قرار می گیرد^۲.

۳- تنوع گرایی در جمهوری هند و افغانستان

اصلی ترین بحث این تحقیق بیان رویکرد حمایتی جامعه و ساختار رسمی جمهوری هند و یا بررسی موجودیت و ماهیت تنوع پذیری و کثرت گرایی در این کشور می باشد، با این توجه هند کشوری نیست که گروه های مختلف فرهنگی، مذهبی و قومی از بیرون در آن تجمع نموده باشند؛ بلکه این گوناگونی ریشه در تاریخ و فرهنگ این جغرافیا دارد؛ مردم این کشور علایق و ویژگی های خاص خود را دارند که کمتر با مردمان سایر کشورها مشابهت دارد گوناگونی و تنوع فرهنگی در این کشور طوری است که در هیچ کشور دنیا چنین چیزی به مشاهده نرسیده و در نوع خود بی نظیر است. افغانستان نیز کشوری باستانی و کهن است؛ اقوام، زبان، نژاد، فرهنگ و هویت های مختلف در این کشور زندگی می کنند؛ هر یک از اقوام که در حدود ۲۰۰ قوم^۳ گزارش شده است دارای آئین، سنت، فرهنگ و سبک زندگی خویش می باشند، به همین گونه گوینده گان بیش از ۵۰ زبان در این کشور وجود دارند، گروه های نژادی متفاوت و موجودیت فرهنگ های مختلف، رسم و رواج، جشن های متفاوت، طبیعت متنوع، هنر و موسیقی همه و همه بیانگر موجودیت تنوع و کثرت رویه ها و ارزش ها در این کشور است؛ این موقعیت اقتضای آن را دارد که ساختار عمومی این کشور با توجه به گوناگونی موجود؛ تنوع پذیر باشد، اما سوال اصلی که وجود دارد این است که تنوع گرایی در جمهوری هند و افغانستان چگونه است؛ نظام حقوقی و یا قانون اساسی این کشورها چگونه این گوناگونی را حمایت نموده است؟ مورد قابل تذکر برای بیان مصادیق تنوع گرایی در کشور

۱- Wendy, Doinger, pluralism and democracy in India (London, Oxford of university 2015).

۲- رسولی، محمد اشرف، ۱۳۸۸، تحلیل و بررسی قانون اساسی افغانستان، انتشارات شهر دانش.

۳- Majumdar R.C. and K.M. Munshi The History and Culture of Indian People. The Age of Imperial

.Unity, Bombay, Bharati Vidya Bahvan, 6th edition, 1990

۴- بیلوی، دلیو، ۱۳۹۵، نژاد های افغانستان؛ ترجمه دکتر لعل زاده، کابل انتشارات سعید.

افغانستان این است که اکنون این کشور تحت حاکمیت طالبان است؛ این گروه در وضعیت سرپرستی قرار دارند و تا اکنون خط مشی و یا قانون اساسی خویش را به تصویب نرسانده‌اند تا بتوان به استناد آن به ارزیابی تنوع گرایی آن نظر داد؛ اما با توجه با این که ماهیت این کشور به صورت طبیعی متکثر است؛ از طرف دیگر مدت کوتاهی است که ساختار جمهوری تکثر پذیر در این کشور ساقط شده است و تا اکنون به عوض آخرین قانون اساسی آن که در سال ۱۳۸۲ خ تصویب گردیده بود؛ قانون دیگری تصویب نشده است، بنا به بررسی مصادیق تنوع گرایی در این قانون می‌پردازیم.

۱-۳ تنوع گرایی در ساختار حقوقی هند

ساختار حقوقی نیز به ضوابط و اصول عمومی اطلاق می‌شود که آرمان‌ها و اهداف مردمان یک جامعه را پیش بینی نموده و نیز تشکلات و اقدام‌های مجری آن را مشخص می‌نماید؛^۱ اساس این ساختار را الزامات و اقتضاعات طبیعی و اجتماعی تشکیل می‌دهد؛ هرگاه جامعه‌ای متشکل از تنوعات و گونه‌های مختلف باشد رعایت اصل تنوع گرایی در این ساختار ضرورت اجتناب نا پذیر است تا بتوان اعضای متفاوت جامعه را در ذیل یک ساختار واحد جهت تحقق اهداف مشترک همسو نمائیم و یا همفکری لازم را میان آنها ایجاد نمائیم؛ جمهوری هند یک کشور ابر تنوع است مذاهب، زبان، اقوام رسوم و آیین های مختلف را در خود جا داده است؛ اما آیا در پذیرش تنوعات یاد شده و حمایت از آنها در ساختار حقوقی خویش اقدام موجه و مقتضی را انجام داده است و کیفیت این اقدامات در حدی است که بتوانیم از این تجربه آن در خصوص افغانستان استفاده نمائیم؛ بنا لازم است سرنوشت تنوع پذیری را در قانون اساسی جمهوری هند بررسی نمائیم.

۱-۳-۱ حمایت از تنوع فرهنگی، زبانی و آموزشی

جمهوری هند پس از کسب استقلال خویش در سال ۱۹۴۷م، از بریتانیا در ابتدا خشونت‌های مذهبی را تجربه نموده است و در نتیجه قسمتی از خاک این کشور که عمدتاً مسلمان نشین بودند به کشور جداگانه تحت نام پاکستان جدا گردید که مورخین هندی این حادثه را نتیجه توطئه ماموران بریتانیایی و عدم پذیرش مذهبی می‌دانند؛ اما پس از آن مردمان این کشور مدت‌های مدیدی است که با وجود تفاوت‌های فاحش فرهنگی در کنار هم به طور مسالمت آمیز زندگی نموده و ثبات سیاسی و حقوقی پایه دار را تجربه می‌نمایند، چند فرهنگ گرایی که ظاهراً مفهوم آن پس از مهاجرت‌های بی رویه باشندگان یک کشور به سرزمین‌های فرهنگ بیگانه مطرح گردید؛ ابتدا و در مدل داخلی میان فرهنگ‌های گوناگون این کشور مرسوم گردید. قانون گزار اساسی هند برای حمایت از تنوع فرهنگی، زبانی و آموزشی در ماده بیست و نو این قانون تحت عنوان حقوق بنیادین چنین تذکر داد است؛ هر بخشی از شهروندان ساکن در قلمرو هند یا بخش‌های آن دارای حق داشتن زبان، خط و فرهنگ متمایز خویش می‌باشند. این نص قانونی تنوع گرایی فرهنگی و حق داشتن زبان را برای هر یک از شهروندان این کشور حمایت، این در حالی است که به تعداد هفده صد زبان در این کشور گزارش شده است. از طرف دیگر هیچ یکی از زبان‌های این کشور صرف نظر از اینکه گویندگان آنها در اقلیت و یا اکثریت قرار دارند؛ به عنوان زبان رسمی و ملی کل کشور هند پذیرفته نشده است؛ هر ایالت می‌تواند زبان رسمی متفاوت داشته باشد که اوج تنوع گرایی زبانی را نشان می‌دهد. آموزش و تاسیس نهاد آموزشی مطابق فرهنگ و مذهب نیز یکی دیگر از آزادی این عرصه می‌باشد که هر کس می‌تواند بر اساس باورها، زبان و سنت‌های پسندیده خویش آن را انتخاب نماید و هیچ نوع اجباری مبنی بر فراگیری نصاب و یا دانش خاصی در این کشور

Wendy, Doinger, 2015, pluralism and democracy in India, London, Oxford of university. -^۱

وجود ندارد حمایت و کمک به نهادهای آموزشی و موسسات از جانب دولت نیز بدون هیچ گونه ملاحظه مذهبی، زبانی و یا اقلیت و اکثریت در ماده ۳۰ قانون اساسی این کشور تضمین شده است؛ آموزش مطابق مذهب، باورها و سنتها و نیز عدم موجودیت نصاب واحد آموزشی؛ آموزش مطابق زبان مادری الی صنف هشتم و تهیه مواد آموزشی برای سه زبان به علاوه زبان بومی و مادری از نشانه‌های واضح تنوع گرایی در این کشور می‌باشد.

خط مشی سیاسی جمهوری هند نیز در حمایت از تنوع فرهنگی و آموزش بر این اصل استوار است که آموزش نه تنها مطابق به فرهنگ و آیین تنوعات گوناگون این کشور باشد؛ بلکه باید ظرفیتها و تمایلات اجتماعی، اخلاقی و عاطفی کشور را توسعه داده؛ به مهارت‌های زندگی و سبک چگونه زیستن، ارزش‌های انسانی، قانون اساسی، تنوع گرایی، برابری و عدالت، احترام به تنوع و بافت‌های محلی جهت حصول اطمینان از یکپارچگی، شفافیت و بهره وری منابع بر اساس فرهنگ غنی و متنوع هند و حفظ سنتها و تاریخ کهن جمهوری هند نیز باید باشد.^۱

۲-۱- تنوع دینی و مذهبی

این نوع کثرت گرایی به دنبال آن است که پیروان عقاید و ادیان مختلف یک کشور و جهان بدون درگیری و نزاع به طور مسالمت آمیز در کنار هم زندگی نمایند بدون اینکه با هم ادغام شوند و نباید یکی به ارزش‌های دینی دیگری حمله ور شوند و یا شخص و گروهی به سبب عقاید دینی و مذهبی اش مورد رفتار نا شایسته قرار گیرد، اما جایگاه و ماهیت این مولفه در نظام حقوقی هند چگونه است؛ زیرا هند کشوری است که پیروان دهها عقیده و مذهب در آن زندگی می‌نمایند که آئین و مراسمات مختلف و حتی در بسا موارد متضاد دارند؛ چنانچه گاو به ویژه جنس نر آن در عقیده هندوئیسم، جینیسم، بودیسم و غیره مقدس شمرده می‌شود، به همین گونه در متون مقدس زردشتیان گاو ماده موجود پاک و مظهر همه خدایان شمرده می‌شود و کشتن آن به هیچ وجه جواز ندارد، در حالیکه در دین اسلام قربانی نمودن حیوانات به شمول گاو یکی از مناسک حج و سنت ابراهیمی است و حج نمودن برای هر مسلمان یک فرض است، قربانی نمودن حیوانات سبب سعادت اخروی و رفاه دنیوی یک مسلمان می‌گردد، این در حالی است که هندوها و مسلمانان به ترتیب بخش بزرگی از جامعه این کشور را تشکیل می‌دهند و تامین منافع و عقاید متضاد آنها کار دشواری است.

قانون گذار اساسی هند برای حفظ ثبات و جلوگیری از تقابل گروه‌های دینی و مذهبی متفاوت این کشور در مواد ۲۵ الی ۲۸ تنوع پذیری دینی و آزادی مذهبی را به طور احسن پیش بینی نموده است؛ همه افراد به طور مساویانه با رعایت نظم عمومی، اخلاق و سلامت از آزادی وجدان، حق اظهار عمل و تبلیغ آزادانه دین خویش برخوردار می‌باشند، هر فرقه مذهبی با رعایت نظم، اخلاق و سلامت عمومی حق دارد که نهادهای برای مقاصد مذهبی و خیریه تاسیس نمایند، امور دینی خویش را آزادانه انجام دهند و اموال منقول و غیر منقول خویش را تملک نمایند، آزادی افراد در پرداخت مالیات برای ترویج دین خاص خویش و آزادی حضور در تعلیمات دینی یا عبادات مذهبی در برخی موسسات آموزشی بدون حمایت دولت از موسسات خاص آموزش دینی. طبق این نص قانونی همه موارد مربوط به تنوع گرایی دینی و همچنان اصل سکولاریسم در این کشور رعایت شده است. موجودیت دادگاه‌های مربوطه به گروه‌های مذهبی در جمهوری هند نیز نشانه دیگری از تنوع گرایی دینی در این کشور است، در حال حاضر در حدود ۴۰ محاکم بیشترین در ایالت اوتارپرادش این کشور ایجاد گردیده است و مسلمانان می‌توانند برای حل مشکلات به ویژه در خصوص احوال شخصیه به این محاکم مراجعه نمایند و محاکم برای پیروان سایر

۱- آورستی، اس، اس، ساختار سیاسی هند، نشریه علمی وزارت علوم، ج ۵، تهران، ۱۳۸۷ شماره ۸۵.

مذاهب در این کشور نیز وجود دارد؛ سیاست رسمی جمهوری هند نیز بی طرفی؛ عدم حمایت از دین خاص و همچنان سیاست مثبت؛ پشتیبانی از اقلیت های مذهبی و آزادی آن ها می باشد.

۳-۱-۳ پشتیبانی از تنوع افکار، اندیشه و گروه ها

حمایت از تنوع افکار، اندیشه ها، نظریات و به همین گونه گروه های مختلف اجتماعی، فرهنگی مدنی و سیاسی و زمینه سازی برای جلب علایق و دیدگاه ها جهت تامین مشارکت آن ها در حل مشکلات و ساختار عمومی جامعه از ویژگی دولت کثرت گرا می باشد که این روش در تحقق آرامش و ثبات جامعه نقش اساسی دارد، اهمیت این بحث در جامعه دارای تنوعات مختلف نسبت به کشورهای یک دست و بسته بیشتر بوده و بستر آرامش اجتماعی را فراهم می نماید؛ زیرا در این جوامع با کثرت اندیشه ها و باورها روبرو می شویم از این رو است که مشارکت و سهم مردم در ساختن جامعه احساس می شود.

رعایت این نوع تنوع گرایی در جمهوری هند از ساختار عمومی نظام سیاسی این کشور شروع می شود زیرا بر مبنای ماده اول قانون اساسی؛ سیستم متکثر قدرت در شکل فدرال در این کشور حاکم است که بر اساس آن دولت مرکزی در پایتخت و دولت های محلی یا ایالتی در ۲۸ ایالت این کشور با اختیارات گسترده و قابل توجه وجود دارد پارلمان هند و یا مجالس قانون گذاری جمهوری هند که در فصل دوم قسمت پنجم قانون اساسی تذکر رفته است نیز متکثر است که عبارت اند از لوک سابا یا مجلس عوام با داشتن ۵۴۵ نماینده و راجیا سابا یا مجلس سنا با تعداد ۲۵۰ اعضا می باشد، گذشته از آن که این کشور مهد دموکراسی جهان شناخته می شود فعالیت های سیاسی به طور آزادانه و در قالب احزاب متنوع سیاسی تضمین شده است؛ بزرگ ترین حزب این کشور که در سطح جهان نیز وسیع ترین می باشد حزب بهاراتیا جاناتا است به همین گونه تفکر، آزادی عقاید و بیان اندیشه، راه اندازی اجتماعات و تظاهرات و نیز تشکیل انجمن ها و اتحادیه ها از حقوق بنیادین شهروندان در این کشور شناخته شده و اصلی ترین نقش را در توسعه این کشور ایفا می کند و این اصول در ماده ۱۹ قانون اساسی چنین پیش بین شده است؛ همه شهروندان حق آزادی بیان، افکار، راه اندازی اجتماعات و مظاهرات مسالمت امیز بدون حمل سلاح و نیز حق تشکیل انجمن ها و اتحادیه ها را دارند. انتخابات نیز در قسمت پانزدهم قانون اساسی این کشور پذیرفته شده و به اساس آن همه افراد واجد شرایط فارغ از قوم، مذهب، نژاد و جنسیت می تواند در پست های مختلف انتخابی به رقابت بپردازند. گذشته از موارد فوق راهبرد عمومی سیاست مداران این کشور، احزاب و نمایندگان مجالس قانون گذاری در مقاطع مختلف تاریخی همواره در جهت حمایت از اندیشه های گوناگون احتراض از خشونت ورزی و در پیش گیری روش مسالمت امیز اجتماعی و سیاسی بوده است سلسله این سیاست نرم و آشتی محور از رهبران تاریخی چون مهاتما گاندی، جواهر لعل نهرو و غیره الهام گرفته است.

۴-۱-۳ حمایت از سایر مصادیق تنوع گرایی در ساختار حقوقی هند

در کشور هند به عنوان سرزمین رنگارنگی نمونه ها دیگری از موارد تنوع گرایی وجود دارد که ذکر همه ای آن در این بحث تحقیق ممکن نیست؛ اما به صورت خلاصه برخی از موارد آن را که بتواند شرایط مقایسوی و یا نمونه ای را برای ما ایجاد نماید تذکر خواهیم نمود.

الف: تنوع گرایی اجتماعی:

این نوع تنوع گرایی به موجودیت نظام های حقوقی متفاوت در یک کشور و یا محیط جغرافیایی اذهان

دارد؛ معمولاً در کشورهای پسا استعماری با توجه به اینکه جریان استعمار قاعده جدید را در جامعه ایجاد می‌نماید به ویژه در عرصه عمومی و تجاری؛ اما از طرف دیگر مسایل سنتی و احوال شخصیه مانند ازدواج و سایر مناسک مذهبی تابع فرهنگ و شرایط بومی خود کشور مربوطه می‌باشد، در این حالت ضرورت به ایجاد نظام حقوقی متعدد در عرصه خاص محسوس می‌شود به ویژه در کشور دارای مذاهب و فرهنگ‌های مختلف. چالش دیگر این است که ایجاد نظام حقوقی یکپارچه در کشور متکثر قومی، مذهبی و فرهنگی از جمله شرایط همگون سازی و نفی کننده تنوع گرایی محاسبه می‌شود؛ بنا موجودیت تعدد نظام حقوقی در جامعه گوناگونی اجتناب نا پذیر است جمهوری هند که یک کشور رنگارنگی از نظر مذهبی و فرهنگی می‌باشد موجودیت این اصل در آن ضروری پنداشته می‌شود و قانون گذار این کشور در ماده ۱ الی ۳ جهت تحقق ارزش‌ها و سنت‌های مختلف ساختار سیاسی و اداری فدرال را گزینه مناسب در چنین وضعیتی قرار داده است که به اساس آن نظام‌های حقوقی متعدد در عرصه‌های خاص این کشور وجود دارد؛ مثلاً در ایالت اوتارپرداش هند که اکثر مسلمانان در آن زندگی می‌نمایند دادگاه‌های اسلامی در آن ایجاد شده است و به نگرانی‌ها و یا اختلافات و مشکلات جامعه مسلمان رسیدگی می‌نماید بخصوص در موارد احوال شخصیه قوانین اسلامی عمدتاً قابلیت تطبیق را دارد همچنان در این کشور دادگاه‌های مربوط به مذاهب هندوئیسم، سکولار و غیره وجود دارد که به مسایل مربوطه آن‌ها رسیدگی می‌نماید.^۱

ب: ایجاد فرصت‌های مساوی، تامین برابری و منع تبعید شهروندان:

موارد دیگری که از مصادیق تنوع گرایی شمرده می‌شود ایجاد فرصت‌های مساوی به همه شهروندان هند بدون در نظر داشت مذهب، قوم، زبان، جنسیت و سایر تعلقات و رفع هر نوع تبعیض و نا برابری بخصوص در امور استخدامی می‌باشد؛ زیرا حساس‌ترین اقدام که هم می‌تواند موجب تامین آرامش و ثبات در جامعه گردد و بر عکس اسباب تضاد، بی اتفاقی و منازعه را فراهم نماید به ویژه در کشورهای بی ثبات از جمله افغانستان بحث رعایت شایستگی و عدم در نظر گرفتن ملاحظات که در فوق تذکر نمودیم در امور مربوط به استخدام مدیران اجرایی در سطوح مختلف حاکمیت کشور می‌باشد، عامل اساسی دوام بحران و جنگ در کشور افغانستان در چند دهه اخیر، تبعیض و عدم رعایت تنوعات قومی، زبانی و مذهبی در استخدام و مشارکت در قدرت می‌باشد؛ اما این موضوع در فقره اول و دوم ماده ۱۶ قانون اساسی هند چنین تذکر رفته است هیچ شهروندی به اساس مذهب، نژاد، طبقه، جنس، تبار، محل تولد، سکونت یا هر یک از آن‌ها فاقد صلاحیت یا مورد تبعیض در هر شغل و منصبی مربوط به دولت قرار نمی‌گیرد، از طرف دیگر قانون اساسی جمهوری هند تبعیض میان شهروندان را در اصل ۱۴ خویش منع و چنین صراحت دارد: دولت نباید برابری در قانون یا حمایت یکسان از قوانین در قلمرو هند را از هیچ شهروند این کشور سلب کند، تبعیض بر اساس مذهب، نژاد، طبقه، جنسیت یا محل تولد منع می‌باشد. با توجه به موارد یاد شده یکی از منظوره‌های قانون گذار جمهوری هند این است تا از شکل گیری هرگونه طبقات بر مبنای ملی گرایی، قومیت و یا مذهب خاص جلوگیری صورت گیرد؛ زیرا از نظر سیاسی رنج تاریخی این کشور از این رهگذر قابل درک بوده است. تبعید شهروند و یا گروهی از شهروندان از کشور و یا محل زیست آن‌ها در منطقه معین و غیر از آن به ویژه به اساس انگیزه‌های مذهبی، قومی، سیاسی از جمله اقدامات ضد تنوع گرایی و چند فرهنگ گرایی شمرده می‌شود، در اصل ۱۱ قانون اساسی هند نیز این عمل منع قرار داده شده است.

ج: آزادی تجلیل از رسوم فرهنگی و مذهبی:

۱- مانینی چترجی، آنیتا روی، ۱۳۹۰ تاریخ فرهنگ و تمدن هند، ترجمه رضا آقا بابا، تهران، نشر میزان.

از جلوه‌های جالب و قابل توجه جمهوری هند که منعکس کننده چند فرهنگ گرایی در این کشور است؛ حق داشتن آزادی از تجلیل و بزرگداشت از رسوم، فرهنگ، باورها، سنت‌ها و آئین‌های مختلف مذهبی و تاریخی می‌باشد. جشن هولی Holi Festival^۱ یکی از قدیمی ترین جشن مذهب هندوئیسم در جمهوری هند است که در شروع فصل بهار هر سال برگزار می‌شود، هولی به نام جشنواره رنگ‌ها و عشق نیز شهرت دارد. دیوالی Deepavali^۲ نیز یکی از جشن‌های مذهبی این کشور است که توسط سیک‌ها، جین‌ها و هندوها هر سال یکبار برگزاری می‌شود، عقیده مردم این است که این جشن در حقیقت پیروزی نور و روشنایی بر تاریکی است؛ در جریان این مراسم مردم خانه‌های خود را با فانوس و چراغ‌های مختلف روشن نموده؛ به آتش بازی خوردن غذاهای لذیذ و سایر تفریحات می‌پردازند. عید قربان^۳ Eid-e-Qorban جشن مذهبی مسلمانان است؛ در این روز مسلمانان به منظور ادای فریضه حج عازم کشور عربستان می‌شوند و نیز با قربانی نمودن حیوانات پوشیدن لباس‌های جدید، پختن غذاهای لذیذ و دید و باز دید از یکدیگر به خوشی و شادمانی می‌پردازند، این روزها در تقویم جمهوری هند رخصتی می‌باشد. این آزادی‌ها در مقدمه قانون اساسی هند مورد حمایت قرار گرفته است.

۲-۳ تنوع گرایی در کشور افغانستان

با توجه به اینکه افغانستان به تازه‌گی تحول سیاسی و حقوقی را تجربه کرده است؛ زیرا این کشور به مدت دو دهه از سال ۱۳۸۲ الی ۱۴۰۰ خ تحت حاکمیت نظام جمهوری دموکراسی با ماهیت اسلامی قرار داشت و بر مبنای قانون اساسی این دوره آزادی‌های قابل توجه برای شهروندان و اقلیت‌های قومی، مذهبی و زبانی پیش بینی شده بود و در یک نگاه وضعیت تنوع پذیری بهتر بود؛ اما اکنون که مدت سه سال است؛ کشور تحت حاکمیت طالبان قرار دارد و آن‌ها تا اکنون نظام حقوقی و قانون اساسی به تصویب نرسانده‌اند؛ اما یک سلسله اقدامات را در عرصه عمومی انجام داده‌اند و رهبر این گروه نیز برای اداره کشور فرامین و دستوراتی را صادر نموده است؛ اما پرسش اصلی این است که آیا مصادیق تنوع گرایی در این دسته اقدامات، فرامین و نیز قانون اساسی قبلی این کشور رعایت شده است و آیا این شرایط با وضعیت تنوع پذیری جمهوری هند مطابقت دارد و یا خیر؟ برای پرداختن به این پاسخ و ادامه این بحث در ابتدا به وضعیت گذشته این کشور و قانون اساسی دوره جمهوری اسلامی استناد می‌نمایم؛ زیرا الی اکنون قانون جایگزین برای آن تصویب نشده است؛ اما از آنجائیکه مقامات طالبان همواره به عدم لزوم قانون اساسی در کشور تاکید می‌نمایند و اراده برای تصویب آن ندارند؛ در عوض اقداماتی در این زمینه انجام داده‌اند؛ بنا با توجه به محدودیت موضوعی بحث به ارزیابی و بررسی آن خواهیم پرداخت. در یک پاسخ فرضی و با در نظر داشت اوضاع و احوالی که در این کشور حاکم است می‌توان نتیجه گرفت که طالبان به عنوان گروه قومی، نظامی و ادنولوژیک که خود را امارت اسلامی می‌نامند از نظر مذهبی به جز از سلفیت و تعلق داشتن به مذهب حنفی؛ سایر جریان‌های دینی و حتی مذاهب اسلامی را نمی‌پذیرند و به تنوع ادیان و مذاهب نیز باور ندارند، کثرت گرایی و تنوع پذیری در سیستم حکومت داری آن‌ها جا ندارد، شیوع حکمرانی آن‌ها از بالا به پایین و توأم با جبر و زور است، برابری میان شهروندان حقوق و آزادی‌های فردی، تنوعات فرهنگی، حقوق اقلیت‌ها قومی و مذهبی، تعلیم دختران و کار زنان، آزادی بیان انتخابات، آزادی تشکیل جمعیت‌ها، احزاب و سایر جریان مدنی و سیاسی، هنر و موسیقی برای این گروه قابل پذیرش نیست.

۱-۲-۳ وضعیت حمایت از تنوع فرهنگی، زبانی و آموزشی

۱- ماهاجان، گوربیت، ۱۳۸۶، فدرالیسم چاره‌ای برای تکرر قومی و فرهنگی هند، ترجمه اکرم تقی آبادی، تهران، نشر دانشکده.

۲- همان ۱۳۸۶.

۳- همان ۱۳۸۶.

در مباحث قبلی از غنای تنوع فرهنگی در افغانستان یاد آوری نمودیم و همچنان خاطر نشان گردید که آئین‌ها، فرهنگ‌ها، سبک‌ها و شیوه‌های مختلف زندگی در این کشور وجود دارد حق تجلیل از رسم و رواج و تنوع مختلف فرهنگی به صورت مستقیم در قانون اساسی جمهوری اسلامی تذکر گرفته است؛ اما به طور ضمنی در دو ماده این قانون اشاره شده است؛ نخست اینکه در ماده ۴۷ این قانون تذکر گرفته است که دولت برای پیشرفت علم، فرهنگ ادب و هنر پروگرام‌های موثر را طرح می‌نماید. این ماده قانون برای دولت حق داده است؛ اما انتظار این بود که برای مردم چنین حقی پیش بینی می‌گردید که اتباع افغانستان حق تجلیل از فرهنگ‌های مختلف خویش را دارند، مورد بعدی ماده ۲۴ این قانون است که آزادی را حق طبیعی هر شهروند پذیرفته است، این هم اشاره‌ای است مبنی بر اینکه اتباع این کشور حق انجام هر کاری از جمله تجلیل از فرهنگ خویش را دارد؛ اما شرط است که آزادی دیگران را تهدید نکند، شایان ذکر است که در دوره حاکمیت این قانون و نظام جمهوری از نظر عملی هیچ محدودیتی برای تجلیل از فرهنگ‌های مختلف وجود نداشت؛ چنانچه برگزاری جشن نوروز اشتراک در محافل فرهنگی، سرگرمی و موسیقی پوشش به سبک‌های محلی و غیره آزادانه بود و نهادهای دولتی برای تحقق آن همکاری نیز می‌نمودند. تنوع زبانی نیز در افغانستان نا دیده گرفته شده است؛ زیرا به طور واضح در ماده شانزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی تذکر گرفته است که از جمله زبان‌های پشتو، دری، ازبکی، ترکمنی، بلوچی، پشه‌ای، نورستانی، پامیری و سایر زبان‌های رایج در کشور؛ پشتو و دری زبان‌های رسمی دولت می‌باشند؛ جدا از عدم رعایت تنوع زبانی تبعیض زبانی نیز در این قانون دیده می‌شود؛ زیرا این قانون واضحاً از زبان خاص حمایت نموده است؛ چنانچه در ماده بیستم این قانون تذکر گرفته است که سرود ملی افغانستان به زبان پشتو و با ذکر الله اکبر و نام اقوام افغانستان می‌باشد. در شرایط مقایسوی در جمهوری هند هیچ زبان رسمی و سراسری وجود ندارد؛ قانون گذار این کشور به منظور رعایت تنوع زبانی ۲۲ زبان را در کل کشور به عنوان زبان رسمی شناسائی نموده است؛ باشندگان هر یک از ایالت‌ها می‌توانند زبان رسمی علیحده داشته باشند.

در ساحه فرهنگ آموزشی نیز محدودیتی‌های در این کشور وجود دارد؛ حتی در حاکمیت جمهوری نصاب واحد تعلیمی و رعایت عامل مذهبی و فرهنگ ملی در تدوین آن که در ماده ۴۵ قانون اساسی تذکر گرفته بود به عنوان مشکلات این عرصه شمرده می‌شود؛ زیرا می‌بایست نصاب آموزشی اقلیت‌های قومی و مذهبی مطابق فرهنگ و اعتقادات آن‌ها تصویب گردد و این اقتضای یک جامعه متنوع است که باید اساسات آموزشی و فرهنگی مطابق فرهنگ، زبان، مذهب و اعتقادات اقوام و باشندگان آن تدوین شود؛ در غیر صورت این امر باعث نابودی فرهنگ زبان و سلسله اعتقادی آن‌ها خواهد شد به ویژه در خصوص اقلیت مذهبی هندوها و سیک‌های این کشور. در شرایط کنونی افغانستان این اصول به صورت کلی رعایت نمی‌شود.

۲-۲-۳ حمایت از تنوع دینی و مذهبی

با توجه به اینکه ۹۹ درصد مردم افغانستان مسلمان و پیرو دین اسلام اند؛ بناً تنوع دینی در این کشور با توجه به جمهوری هند جالب توجه نیست؛ زیرا پیروان ادیان مختلف در آن کشور زندگی می‌نمایند و تنها رقم مسلمانان آن در حدود ۲۲۰ میلیون تن می‌رسد؛ در حالیکه در افغانستان حدود یک درصد پیرو دین هندوئیسم و سیک می‌باشند؛ اما مذاهب متعدد در ذیل دین اسلام وجود دارد مانند مذهب شیعه و سنی که در زمینه نیز محدودیت وجود دارد؛ در جمهوری هند در کنار تنوع دینی و مذهبی کثرت گرایی دینی نیز وجود دارد؛ زیرا ابتدا جمهوری هند یک کشور سکولار است و دولت پیرو و حامی دین خاصی نیست؛ در قدم بعدی طبق قانون اساسی این کشور هر شخص حق دارد امور دینی خویش را آزادانه بدون هیچ محدودیتی انجام دهد و سیاست دولت نیز در زمینه حفظ بی طرفی است دادگاه‌های مذهبی برای

پیروان ادیان مختلف نیز وجود دارد. در افغانستان بر طبق قانون اساسی دوران جمهوری اسلام دین دولت دانسته شده است؛ ثانیاً برای پیروان سایر ادیان آزادی اجرای مراسم دینی شان در حدود احکام قانون پذیرفته شده است؛ از سوی دیگر در ماده سوم این قانون تذکر رفته است که هیچ قانون نمی تواند در این کشور خلاف معتقدات دین مقدس اسلام باشد، با این توجه کثرت گرایی و تنوع دینی همانند جمهوری هند در این کشور وجود ندارد. در حاکمیت طالبان تنوع گرایی دینی و مذهبی امر محال و ناممکن است؛ زیرا اخیراً تدریس فقه شیعه در نهادهای علمی ساحه باشندگان اهل تشیع متوقف گردیده است. اما در عمل به استثنای یک سلسله حوادث پیروان مذاهب گوناگون این کشور به طور مسالمت آمیز در کنار هم زندگی نموده اند.

۳-۲-۳ تنوع پذیری افکار، اندیشه و گروه های مختلف

تنوع افکار، اندیشه ها و حمایت از گروه های مختلف مدنی و سیاسی از مصادیق مهم کثرت گرایی شناخته می شود؛ خوش بختانه این ابزار در قانون اساسی افغانستان به گونه شایسته پذیرفته شده است؛ چنانچه در ماده ۳۴ این قانون صراحتاً بیان شده است که آزادی بیان از تعرض مصئون است؛ اتباع کشور حق دارد که فکر خود را به وسیله گفتار، نوشتار، تصویر و یا هر وسیله دیگر اظهار نمایند؛ حق طبع و نشر مطالب بدون ارائه و اجازه قبلی مقامات دولتی؛ به همین گونه حق ایجاد جمعیت ها و احزاب سیاسی؛ راه اندازی اجتماعات، تظاهرات و اعتصابات در مواد دیگر این قانون برای شهروندان این کشور پذیرفته شده است، اما نه مانند کشور هند که قبلاً تذکر نمودیم. طالبان در حاکمیت خویش همه موارد فوق را به اساس فرمان های جداگانه از بین برده اند؛ تنها بخشی که هنوز به حمایت مستقیم نهادهای بین المللی طور نیم بند فعالیت می نماید؛ یک تعداد رسانه های محدود است که آن هم آزادی و استقلال چندانی ندارند.

۳-۲-۴ سایر مصادیق تنوع گرایی در ساختار حقوقی افغانستان

جدا از مواردی که در مباحث قبلی تذکر داده شد ویژگی های دیگر نیز در کشور افغانستان وجود دارد که منعکس کننده مفهوم تنوع گرایی می باشد؛ زیرا در تکرر پدیده ها و رفتارها و مساعد بودن فرصت انتخاب متعدد تنوع گرایی به شکل مطلوب تر آن رعایت می شود؛ حقیقتاً هر امر اجتماعی که تنوع داشته باشد و هم از جانب ساختار قدرت حمایت شود و هم مردم به آن اعتقاد داشته باشند و آن را رعایت نمایند در هر نام و چهره ای که باشد با این که نام تنوع گرایی را نداشته باشد؛ تنوع پذیری است؛ زیرا در باورها و رفتارهای سنتی تک محوری حاکم بوده است اقوام، شاهان، گروه های اجتماعی، نژادی، مذهبی و زبانی خاص به همین گونه دولت ها و امپراتوری ها به اثبات وجودی خود بدون در نظر داشت منفعت و وجود هم نوعان دیگر خود؛ اسرار می ورزیدند و به بیان کلی در نا بودی حذف و یا ادغام دیگران بقای خود را جستجو می نمودند؛ به این ترتیب اقوام، مذاهب؛ دولت ها و امپراتوری ها همواره در جنگ میان خویش بودند و بزرگ ترین پیروزی به آن ها نابودی نوع مقابل بوده و به همین گونه همه تلاش خویش را متمرکز به تهیه جنگ افزار می نمودند، با ظهور مفاهیم جدید، گرفتن درس از تجارب تلخ تاریخی و الهام از رهنمود دینی امروزه منافع بشر با صلح، آشتی، همدیگری پذیری و زندگی مسالمت آمیز گره خورده است و از جمله حقایق اجتناب ناپذیر می باشد به این توجه سایر موارد تنوع گرایی افغانستان در پرتوی جمهوری هند قابل دقت می باشد.

الف: تنوع گرایی اجتماعی:

این نوع تنوع گرایی که به وجود نظام های متعدد حقوقی در یک کشور تاکید می نماید عمدتاً در موجودیت

نظام پارلمانی یا فدرالی تحقق میابد؛ اساساً این نوع نظام حقوقی و یا ضرورت کثرت گرایی اجتماعی جدا از اهداف اقتصادی و تمرکز زدائی در کشورهای دارای تنوع فرهنگی، نژادی، مذهبی، قومی و زبانی یک ضرورت حتمی دانسته می شود تا این تنوعات و اقلیت ها بتوانند حسب دلخواه ساختارها و قوانین مورد نظر خویش را در جغرافیا و یا ایالت مربوطه ایجاد و یا تصویب نمایند؛ هر گاه این مدل به هر دلیلی مقدور باشد با پذیرش اصل تنوع گرایی اجتماعی می توان ساختارها و نهادهای را ایجاد نمود که بتواند منافع و ضرورت های اقلیت های قومی به ویژه مذهبی را تامین نماید؛ در جمهوری هند هر دو اصل تامین شده است؛ زیرا از یک طرف ساختار نظام این کشور پارلمانی و سکولار است و از طرف دیگر مراکز فرهنگی و نهادهای قضائی مانند دادگاه های مختلف وجود دارد که برای پیروان ادیان و مذاهب مختلف طبق فرهنگ و اقتضای مذهب آن ها خدمات عرضه می نمایند به ویژه در ساحه مدنی و احوال شخصیه، اما در افغانستان سازکار این نوع تنوع گرایی در قوانین این کشور به ویژه قانون اساسی رعایت نشده است؛ قانون احوال شخصیه اهل تشیع که پس از کش مکش های طولانی در سال (۱۳۸۷)خ به تصویب رسید تامین کننده مفهوم تنوع گرایی اجتماعی نمی باشد؛ زیرا حتی نهادی قضائی مستقل برای رسیدگی پرونده های مربوطه به اهل تشیع این کشور مشخص نشده است و برای پیروان مذهب اهل تشیع و سایر ادیان نه قانون جدا گانه وجود دارد و نه هم نهاد اختصاصی قضایی همانند جمهوری هند.

ب: ایجاد فرصت های برابر، و منع تبعیض و تبعید شهروندان:

ایجاد فرصت های کاری و شغلی برای همه اتباع کشور بدون هیچ گونه ملاحظه قومی، زبانی و مذهبی و همچنین تبعیض قایل نشدن میان شهروندان منعکس کننده زیور اصلی کثرت گرایی است؛ زیرا پذیرش تنوعات و یا تنوع گرایی در اصل تبعیض مثبت است که برای حکومت ها و جوامع گوشزد می شود تا در تصمیمات و رفتارهای خویش به این اصل توجه داشته باشند. این موقعیت و نیز برابری حقوق زنان و مردان همانند قانون اساسی جمهوری هند در جزم سوم ماده ۵۰ قانون اساسی افغانستان پذیرفته شده است تاکید گردیده است که اتباع افغانستان بر اساس اهلیت و بدون هیچ گونه تبعیض و به موجب احکام قانون به خدمت دولت پذیرفته می شوند. تامین برابری و منع تبعیض میان تمام اتباع کشور اعم از زن و مرد نیز در ماده ۲۲ این قانون مورد حمایت قرار گرفته است، اما در عمل با توجه به توجیحات دینی و سایر مسایل این اصل در این کشور تحقق نیافته است بویژه در شرایط موجود افغانستان که اصل برابری نه در قانون و نه در عمل جایگاه دارد. در ادوار گذشته افغانستان از تبعید در مقابل مخالفین سیاسی و اقلیت های قومی به کثرت استفاده شده است؛ بویژه در حاکمیت عبدالرحمن خان در سالهای ۱۲۵۹ - ۱۲۸۰خ^۱ که در نتیجه تعداد زیادی افراد زبان، هویت، مذهب و سایر ویژگی های طبیعی خویش را از دست داده اند و رنگارنگی این کشور صدمه دیده است؛ اما خوشبختانه این عمل در مواد ۲۸ و ۳۹ قانون اساسی منع گردیده است.

ج: وضعیت تجلیل از فرهنگ های مختلف:

فرهنگ و آئین های هر جامعه و کشور متفاوت است در میان جوامع فرهنگ اقوام و گروه های مختلف اجتماعی نیز مختلف می باشد؛ اساساً فرهنگ ها نیز با توجه به عرصه های مختلف زندگی مختلف است؛ چنانچه فرهنگ عرصه مذهبی با فرهنگ عرصه های اجتماعی، تاریخی، هنری، جغرافیایی و غیره باز هم متفاوت است، در جمهوری هند تنوعات فرهنگی در همه عرصه ها از جانب قانون و حاکمیت این کشور حمایت می شود و شهروندان جامعه در موقعیت های مختلف حق دارند از آئین های مختلف فرهنگی

خویش تجلیل نمایند مانند هولی، دیوالی و غیره که در مباحث قبلی تذکر نمودیم؛ قوانین افغانستان به ویژه قانون اساسی در زمینه حمایت از فرهنگ‌های مختلف صراحت ندارد و عملاً حق تجلیل از فرهنگ و آئین‌های فرهنگی را برای مردم شناسائی نکرده است؛ اما در موجودیت نظام جمهوری اسلامی مردم افغانستان این آزادی را داشت تا از فرهنگ‌های مختلف خویش تجلیل نمایند و جانب حاکمیت از این برنامه نیز حمایت می‌نمود؛ اما در حاکمیت طالبان مردم آزادی تجلیل از بسیاری از این فرهنگ‌ها را ندارد؛ آئین‌های مذهبی مانند تجلیل از ماه محرم، فرهنگ تاریخی مانند تجلیل از روز جهانی نوروز؛ فرهنگ هنری مانند اشتراک در کنسرت‌ها، سینماها و غیره را ندارند.

نتیجه گیری

هند سرزمین گوناگونی است؛ پیروان صدها فرهنگ، گویندگان زبان‌های مختلف و به همین گونه طرفداران ادیان متفاوت در این کشور در فضای صلح و آرامش در کنار هم زندگی می‌نمایند؛ افغانستان نیز کشور باستانی است؛ هویت قوم، زبان و فرهنگ‌های متعددی در این کشور وجود دارد، حمایت از تنوع گرایی در قوانین این کشورها وضعیت متفاوت دارد؛ برابری شهروندان و منع تبعیض در قانون اساسی جمهوری هند پیش بینی شده است؛ به همین گونه تنوع پذیری فرهنگی، حق داشتن زبان و حق آموزش در بخش دیگر قانون این کشور تحت عنوان حق بنیادین پذیرفته شده است، مشخص نشدن زبان خاص به عنوان زبان ملی و یا رسمی کشور و نیز حمایت دولت از روند آموزش بدون ملاحظه زبان و مذهب خاص طبق این قانون از نکات بارز تنوع گرایی فرهنگی در این کشور تلقی می‌شود. به همین ترتیب برای حفظ ثبات و جلوگیری از تقابل گروه‌های دینی و مذهبی در قانون اساسی این کشور موارد مشخص پیش بینی شده و برای پیروان ادیان مختلف آزادی بخشیده است تا بدون هیچ مانعی به عبادت، تبلیغ و اجرای امور دینی و مذهبی خویش بپردازند؛ در قالب این اصل دادگاه‌های خاص مربوط به گروه‌های مذهبی مختلف در این کشور ایجاد گردیده است که آنها می‌توانند برای حل مشکلات خویش بخصوص در امور احوال شخصیه به آنها مراجعه نمایند. تنوع گرایی سیاسی که به پذیرش افکار و اندیشه‌های مختلف اشاره دارد نیز در قانون اساسی این کشور جا باز نموده است؛ بر بنیاد آن سیستم متکثر قدرت سیاسی در شکل فدرال در این کشور پایه گذاری شده است، موجودیت قوای سه گانه دولت، احزاب سیاسی، نهادهای اجتماعی و مدنی، حق راه اندازی اعتراضات، انتخابات و دموکراسی که در قسمت پانزدهم این قانون مشخص شده است از علایم برجسته تنوع گرایی در این کشور می‌باشد.

وضعیت تنوع پذیری در افغانستان را باید در دو حالت مد نظر داشت؛ نخست حاکمیت سه ساله طالبان تحت عنوان امارت اسلامی است که تنوع گرایی در وضعیت بسیار بد قرار دارد؛ زیرا این گروه نظامی، قومی و ادئولوژیک به تنوع گرایی معتقد نیستند بویژه تنوع گرایی مذهبی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، شیوه حکمرانی آنها از بالا به پائین و توأم با جبر و زور است؛ علاوه از آن حقوق و آزادی‌های فردی، حق تعلیم دختران، کار زنان و سایر مصادیق ارزشی مانند انتخابات، احزاب سیاسی و غیره ممنوع گردیده است. اما در حاکمیت نظام جمهوری و بر مبنای آخرین قانون اساسی مصوب سال ۱۳۸۲خ که تا اکنون قانون دیگری به عوض آن تصویب نشده است، تنوع پذیری وضعیت مساعدی داشته است؛ چنانچه در این قانون برابری شهروندان در نزد قانون پیش بینی شده است، تنوع گرایی فرهنگی زبانی و آموزشی نیز در این قانون مورد حمایت قرار گرفته است، با این وجود برخلاف تنوع گرایی زبانی جمهوری هند، تنها زبان فارسی و پشتو را به عنوان زبان رسمی مشخص نموده است، مشخص نمودن سرود ملی کشور به زبان پشتو که در ماده بیستم این قانون تذکر رفته است نیز بیانگر نقض تنوع گرایی زبانی می‌باشد. در خصوص تنوع گرایی آموزشی نیز مشکلات وجود دارد؛ زیرا بر بنیاد این قانون نصاب واحد آموزشی و ترتیب آن بر طبق مذهب خاص تذکر رفته است که برخلاف واقعیت تنوع قومی، زبانی و مذهبی می‌باشد؛ در حالیکه در جمهوری هند طبق فرهنگ مذاهب و زبان‌های این کشور پیش بینی شده است. تنوع گرایی مذهبی نیز در قانون این کشور وضعیت خوبی ندارد زیرا بر طبق صراحت این قانون؛ در افغانستان هیچ قانونی نمی‌توانند

مخالف معتقدات دین اسلام باشد؛ با اینکه در بخش بعدی آن حق اجرای مراسم مذهبی به پیروان سایر مذاهب پذیرفته شده است. تنوع افکار، اندیشه به همین گونه ایجاد احزاب، جمعیت ها و نهادهای مدنی در این قانون به گونه لازم حمایت شده است، در خصوص حمایت از فرهنگ و آئین های مختلف جامعه نیز در قانون افغانستان همانند کشور هند صراحت خاصی دیده نمی شود.

Extent abstract

Diversity means establishing peaceful life among humans alongside each other despite numerous differences, including religion, culture, language, race, etc. Diversity is one of the solutions to conflicts and conflicts that can be identified, and this has been proven by Indian society. The Republic of India is one of the countries in which there are more than ۱,۷۰۰ languages, seventy-two nations, and hundreds of cultures and religions. Afghanistan is also similar to India in terms of ethnic, linguistic, cultural, and religious diversity, but it has not been as successful in reconciling these differences as India has been. In this article, we will explore the legal importance of diversity by examining the degree of legal inclination towards diversity in the Republic of India and Afghanistan. In India, legal support for cultural, linguistic, educational, religious and religious diversity, and diversity of thoughts and ideas at the domestic level, leads to lasting peace and has a special place in international relations. The Republic of India explicitly refers to the equality of citizens and the prohibition of discrimination and has not declared any specific language as the national and official language of the country. In Afghanistan, the ruling group under the name of the Islamic Emirate not only does not believe in diversity, but their rule from top to bottom is by coercion and force. The result of this country's performance is neither lasting peace at the domestic level nor acceptable relations at the international level.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتابها

- ۱- احمدی، مجید، (۱۳۹۱)، آشنائی با کشور هندوستان، تهران، نشر خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران.
- ۲- اندیشمند، محمد اکرام، (۱۳۹۲)، معارف عصری افغانستان ۱۲۸۹ الی ۱۳۷۹، کابل، نشر درخت دانش.
- ۳- بیلوی، دلیلو، (۱۳۹۵)، نژادهای افغانستان، ترجمه دکتر لعل زاده، کابل، انتشارات سعید.
- ۴- توماس، بارفیلد، (۱۳۹۸)، تاریخ فرهنگی و سیاسی افغانستان، ترجمه عبدالله محمدی، تهران، موسسه انتشارات عرفان.
- ۵- جلالی نائینی، سید محمد رضا، (۱۳۹۱)، هند در یک نگاه، تهران، نشر شیراز.
- ۶- دان، ناردو، (۱۳۸۵)، هند باستان، ترجمه حقیقت خواه، تهران، نشر ققنوس.
- ۷- صدر، عمر، (۱۳۹۷)، دولت مدرن و هراس از کثرت گرایی در افغانستان، ترجمه ضیافت الله سعیدی و همکاران، کابل انتشارات امیری.
- ۸- مانینی چترجی، آنیتا روی، (۱۳۹۰)، تاریخ فرهنگ و تمدن هند، ترجمه رضا اقبابا، تهران، نشر میزان.
- ۹- ماهاجان، گوربریت، (۱۳۸۶)، فدرالیسم چاره‌ای برای کثرت قومی و فرهنگی هند، ترجمه اکرم تقی آبادی، تهران، نشر دانشکده.
- ۱۰- محمد غبار، میر غلام، (۱۳۴۶)، افغانستان در مسیر تاریخ، کابل، نشر مطبوعه افغان.
- ۱۱- ناروئی، هادی، (۱۴۰۲)، ظهور ملی گرایی هند و گسترش اختلافات مسلمانان در هند، تهران، نشر دانشگاه بین المللی امام خمینی.
- ۱۲- رسولی، محمد اشرف، (۱۳۸۸)، مروری بر قوانین اساسی افغانستان، کابل، نشر شهر دانش.

مقاله‌ها

- ۱۳- اس، اس، آورستی، (۱۳۸۷)، ساختار سیاسی هند، نشریه علمی وزارت علوم، شماره ۸۵.
- ۱۴- اسدی، ذبیح الله، (۱۳۹۸)، تقابل افراطگرایی با کثرت گرایی در افغانستان، مجله بین المللی مطالعات پیشرفته اکادمیک شماره ۲.
- ۱۵- باقری، اسماعیل، (۱۳۹۶)، ساختار سیاسی افغانستان، مجله تخصص نورمکس، شماره ۶۹.
- ۱۶- درویش پور، حجت الله، (۱۳۹۰)، نشانه‌های وحدت در کثرت جامعه هند، فصل نامه تحقیقات سیاسی و بین المللی دانشگاه آزادی اسلامی، شماره ۸.
- ۱۷- رسول، احمد رسول، ن (۱۳۹۹)، گاهی به مفهوم دولت سازی در جوامع در حال توسعه، مجله بین المللی مطالعات پیشرفته اکادمیک، شماره ۴.
- ۱۸- شفیعی، نوذر، (۱۳۸۹)، معمای دموکراسی در افغانستان، نشریه تحقیقات سیاسی و بین المللی جهاد دانشگاهی، شماره ۸.

Reference

Book

- Majumdar R.C. and K.M. Munshi The History and Culture of Indian People. The Age of Imperial Unity (Bombay, Bharati Vidya Bahvan, 6th edition, ۱۹۹۰) 1□
- Wendy, Doinger, pluralism and democracy in India (London, Oxford of university ۲۰۱۵). 2□
- Adamec, ludwing, The Political History of Afghanistan from Amir Abdul Rahman era till Independence (London Anglia Ruskin University, ۲۰۰۵) 3□
- Modern government and fear of pluralism in Omar Sadr, Afghanistan (Kabul Afghan institute for strategic studies, ۲۰۱۸). 4□

Articles

- Muni S.D, Ethnic conflict, federalism, and democracy in India in Ethnicity and Power in the Contemporary World, Calcutta university research center, No ۸۹ (۲۰۱۲). 5□
- Sadeghi Alavi, M, History of Islam in the Indian subcontinent "from the beginning of the arrival of Muslims to the end of the Mughal Empire rule" Qom Hawza and University Research Center, No ۶۷, (۲۰۱۶). 6□
- Shakir, Moin, Religion, State and Politics in India, Delhi, Ajanta Publications No ۸۲ (۱۹۸۹). 7□